

## بررسی وضعیت مهاجرت داخلی در دوره قاجار براساس گزارش روزنامه وقایع اتفاقیه

محمودرضا جعفریان\*

شهرام یوسفی فر\*\*، رضا شعبانی\*\*\*

### چکیده

مهاجرت در جوامع انسانی با گونه‌های متعدد و هدف‌مند، به‌موجب موقعیت‌ها و شرایط گوناگون، به‌صورت انفرادی یا جمعی است. جامعه ایرانی عصر ناصری به‌فراخور زمانه و زمینه خود شاهد مهاجرت بود. در دوره انتشار روزنامه وقایع اتفاقیه شرایط نامناسب آب‌وهوایی و نیز پی‌آمدهای بد اقتصادی آن، در زندگی مردم تأثیر مستقیم گذاشته بود که به‌همراه مسائلی چون ظلم، تعدی، و شیوع بیماری موجب مهاجرت شد. مقاله حاضر با احصا و پایش اخبار پیگیری خواهد کرد که مسئله مهاجرت تا چه اندازه و با چه حجم و فراوانی‌ای انعکاس یافت؟ حکام چه رویکردها و اقداماتی برای حل مسائل مهاجرت و رفع تبعات آن داشته‌اند؟ دست‌یافتن به علل و زمینه‌های مهاجرت، تحلیل مناطق مهاجرفرست و مهاجرپذیر، و نیز بررسی زمانی و مکانی آن را می‌توان از دیگر دستاوردهای این مقاله برشمرد. با روش تحلیل محتوا و گردآوری کلیه گزارش‌ها، مهاجرت به‌مثابه مسئله اجتماعی تحلیل جامعه‌شناختی شده است.

**کلیدواژه‌ها:** مسئله اجتماعی، مهاجرت، تحلیل محتوا، روزنامه وقایع اتفاقیه، قاجاریه، دوره ناصری.

\* دانشجوی دکتری رشته تاریخ، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، mrj.history@gmail.com

\*\* استاد پژوهشکده تاریخ، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی (نویسنده مسئول)

shyouseffar@yahoo.com

\*\*\* استاد تاریخ، دانشگاه شهید بهشتی، shabani@sbu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۱/۲۰، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۲/۱۸

Copyright©2017-2018, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose

## ۱. مقدمه

مهاجرت پدیده‌ای اجتماعی است که همگام با شکل‌گیری جوامع بشری در انواع و قالب‌های گوناگون شناسایی و بازایی می‌شود. با نگاهی کوتاه به مسئله و پدیده مهاجرت حداقل در دو قرن گذشته، می‌توان دریافت عواملی چون جنگ و درگیری و فقر و بی‌کاری از مهم‌ترین دلایل مهاجرت‌های گروهی و فردی بوده‌اند. جریان مهاجرت در طول تاریخ به منزله وسیله‌ای برای تنظیم خودبه‌خودی منابع و موجودات بوده است؛ به گونه‌ای که تقریباً می‌توان گفت مهاجرت هم‌زاد زندگی اجتماعی بشر بوده است (حاج‌حسینی ۱۳۸۵: ۳۶). مهاجرت در هر شکل و با هر انگیزه و نتیجه‌ای تأثیرات اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی گوناگونی را در سطوح محلی، منطقه‌ای، ملی، و بین‌المللی به دنبال دارد؛ از همین رو، از سوی حکومت‌ها و دولت‌ها به‌مثابه مسئله‌ای پیچیده به آن نگرسته شده و در مدیریت و سیاست‌گذاری یک واحد سیاسی در کانون توجه قرار گرفته است. با آن‌که شکل‌گیری مهاجرت معلول عوامل گوناگون سیاسی، اقتصادی، و اجتماعی است، در پژوهش‌ها بر اصل دلایل اقتصادی جابه‌جایی مردم تأکید می‌شود و در واقع، شرایط اقتصادی بهتر یا روبه‌رشد در مقصد، از علل عمده مهاجرت برون‌مرزی یا داخلی محسوب می‌شود (گیلبرت ۱۳۷۵: ۶۷).

در مقوله‌ای دیگر، مطبوعات براساس تغییرات و تحولات اجتماعی به طرح مشکلات و مسائل اجتماعی‌ای چون نوسانات و تأثیرات متقابل اقتصادی از جمله گرانی و مالیات، چگونگی مواجهه با ناملایمات طبیعی مثل سیل و خشک‌سالی یا انعکاس مسائل فرهنگی‌ای هم‌چون میراث و ترویج فرهنگی می‌پردازند و برای هر یک از این مسائل به اطلاع‌رسانی یا ارتقای فرهنگی در این حوزه‌ها دست می‌زنند. در این زمینه، از مطالعه و بررسی محتوای مطبوعات برای شناخت واقعیت‌های اجتماعی استفاده می‌شود (معمدنزاد ۱۳۵۵: ۱۰۴)؛ در واقع مطبوعات دو کارکرد مهم و نقش مؤثر اطلاع‌رسانی و آموزشی را در عرصه افکار عمومی دارند. بر این اساس، با توجه به نوع کارکردی که روزنامه وقایع اتفاقیه داشته است، اگرچه باید در شماره‌ها و سالیان ابتدایی، آن را صرفاً در ایفای نقش اطلاع‌رسانی فرمان‌های شاه و دولت، اتفاقات دربار و دارالخلافه، و اخبار نواحی مملکت و دیگر بلاد دانست، با توجه به بررسی گزارش‌های دیده‌شده، می‌توان این روزنامه را در نقش آموزشی و انعکاس مسائل اجتماعی آن دوره نیز مهم و درخور توجه دانست. به نظر می‌رسد بازیابی مسائل اجتماعی در نشریات قاجاری، با توجه به ظهور مفاهیم نو در عصر جدید، به مراتب دشوارتر از مطالعه و دست‌یابی چنین اموری در نشریات زمان حاضر باشد.

این مقاله اهمی بر پاسخ این پرسش‌ها خواهد داشت که در روزنامه وقایع اتفاقیه تا چه میزان به موضوع مهمی چون مهاجرت توجه شده و اخبار مهاجرت در آن انعکاس یافته است؟ دیگر این که آیا این امر در قاموس فکری حاکمان جای گرفته است که اقدامی برای حل مسئله انجام دهند؟ هم‌چنین موضوع مهاجرت در چه حجم و فراوانی‌ای از اخبار روزنامه انعکاس یافته است؟ دست‌یافتن به علل و زمینه‌های مهاجرت مناطق مهاجرفرست و مهاجرپذیر به‌همراه پایش ادوار زمانی مهاجرت‌های منعکس شده در این دوره از روزنامه، دیگر کوششی است برای پاسخ‌هایی که در فرایند تحلیل مهاجرت باید به آنان رسید.

این که حاکمان دوره ناصری مهاجرت را به‌مثابه مسئله‌ای اجتماعی، اما نه با تعریف و عمق فهم معاصر، شناخته باشند، از مفروضات اولیه تحقیق حاضر است؛ فرض اصلی این است که با توجه به اقدامات صورت گرفته و انعکاس یافته در روزنامه برای مسئله مهاجرت، حداقل برای حاکمان محلی دغدغه اصلی قلمداد می‌شد، اما به‌دلیل ناآگاهی از تبعات یا اطلاع‌نداشتن از مهاجرت‌های صورت گرفته، این مسئله در سطحی ملی و در مرکز و دارالخلافه تهران اهمیت آن‌چنانی نداشت و به آن توجه نمی‌شد، مگر در چند گزارش محدود. فرض دیگر این است که به‌دلیل بروز خشک‌سالی و بدی محصول و نیز داشتن معیشت بسیار بد به‌منزله زمینه اصلی، افراد برای فرار از این تنگنا اقدام به مهاجرت می‌کردند. اگرچه عمر جامعه مطبوعاتی ایران کوتاه است - در شکل نشر نخستین روزنامه حداکثر به ۱۸۰ سال پیش با انتشار کاغذ اخبار میرزا صالح شیرازی و نیز از نظر حرفه‌ای و تشکیلاتی به صد سال گذشته بازمی‌گردد - در باب پیشینه این گونه تحقیقات تاریخ اجتماعی از روزنامه‌های قدیمی ایران، در بررسی‌ها و جست‌وجوهای صورت گرفته، نوشته و اثر مستقلی درباره روزنامه وقایع اتفاقیه دیده نشده است که با بازتاب مسئله اجتماعی همراه باشد. با این حال، روزنامه وقایع اتفاقیه به‌مثابه موضوعی کلی و به‌دنبال بازشناسی تاریخی و شناختی از مطبوعات ایران در کتب و نشریات گوناگون حوزه تاریخ روزنامه‌نگاری در ایران بیان شده است که از این دست می‌توان به کار پژوهش‌گر معاصر، سیدفرید قاسمی در کتاب اولین‌های مطبوعات ایران، محمد محیط طباطبایی در تاریخ تحلیلی مطبوعات و سیدجواد صدر هاشمی در کتاب تاریخ جراید و مجلات ایران اشاره کرد که این مقاله از آن‌ها نیز بهره‌مند شده است.<sup>۱</sup>

## ۲. روش تحقیق

این مقاله از نوع پژوهش تاریخ اجتماعی با رویه توصیفی - تحلیلی با مبنای قرارداد داده‌های کمی و گردآوری داده‌ها به‌کمک مطالعه اسنادی است که در آن از روش تحلیل محتوا

(content analysis) استفاده شده است. این روش<sup>۲</sup> یک مورد خاص در تحقیق مشاهده‌ای و تحقیق تاریخی اسنادی محسوب می‌شود و به‌لحاظ ماهیتی نیز پژوهشی کمی است که از طریق آن محتوای کیفی منابع بررسی شده و با استفاده از روش‌های آماری به داده‌های کمی تبدیل می‌شود؛ بنابراین، یکی از کاربردهای تحلیل محتوا این است که می‌توان به‌کمک آن ویژگی‌های اجتماعی زمان یا عصری معین را تشخیص داد. این کاربرد می‌تواند کمک بزرگی به پژوهش‌های تاریخ اجتماعی محسوب شود. براساس کاربردهای روش تحلیل محتوا، در این مقاله، مهاجرت در حکم مسئله‌ای اجتماعی در روزنامه وقایع اتفاقیه بررسی شد. واحد تحلیل این روش شماره‌های مختلف این روزنامه است؛ هرکدام از گزارش‌ها یا اخبار حوزه مهاجرت، به‌منزله یک واحد مستقل تحلیل و واحد شمارش در نظر گرفته شده است.

این روزنامه را امیرکبیر، شخص نخست امور اجرایی کشور در دوره ناصری، بنیان گذارد و رویه کلی کار آن تا نه سال بعد از او ادامه پیدا کرد. علاوه‌براین، این روزنامه تنها روزنامه‌ای بود که انتشار می‌یافت و از آن‌جاکه اخبار و گزارش‌های منتشرشده از مبادی رسمی ارسال می‌شد و انعکاس می‌یافت، اهمیت داشت. اخبار امور این دوره از مجرای واکاوی این تنها روزنامه رسمی و موجود کشور دنبال می‌شد.

براین‌اساس، از شماره یک تا آخرین شماره روزنامه به‌دقت مطالعه شد و هر گزارش و اخباری که در حوزه مهاجرت بیان شده بود رصد شد، مانند گردآوری محتواهای تحقیق، تقسیم مجموعه مورد تحقیق، مقوله‌بندی واحدها در قالب‌های پراکندگی جغرافیایی و زمانی، مبدأ و مقصد مهاجرت‌ها، زمینه و علل مهاجرت‌ها، اقدامات انجام‌شده در حل مسئله مهاجرت، و نتیجه اقدامات انجام‌شده. در کنار هرکدام از مقوله‌بندی واحدها، سنجش آن‌ها براساس فراوانی تعداد و درصد احراز اعلام شده است. سرانجام نیز پس از گذراندن فرایند و انجام مراحل مطابق روش تحلیل محتوا، تحلیل کمی و کیفی موضوع مهاجرت به‌مثابه مسئله‌ای اجتماعی بررسی شد. جمعیت یا جامعه آماری این پژوهش از بازخوانی همه شماره‌های روزنامه وقایع اتفاقیه اخذ شده است.

### ۳. روزنامه وقایع اتفاقیه

همان‌گونه‌که گفته شد، این روزنامه به‌همت میرزاتقی‌خان امیرکبیر و به‌رضایت و فرمان ناصرالدین‌شاه، چهارمین شاه قاجار، منتشر شد (قاسمی ۱۳۷۲: ۱۴) و «بنای آن از ارزنده‌ترین تأسیسات اجتماعی امیر است» (آدمیت ۱۳۶۲: ۳۶۸). هدف از انتشار روزنامه «همت خسروانی اعلیحضرت پادشاهی مصروف به تربیت اهالی و اعیان و رعایا و تجار و

کسبه دولت خود است که بر دانش و بینش آن‌ها بیفزاید و استحضار و آگاهی آن‌ها از امورات داخله و وقایع خارجه است» (وقایع/تفاهیه ۱۲۶۷: ش ۷، ۱). این روزنامه دومین روزنامه فارسی‌زبان در ایران است که با نام روزنامه وقایع/تفاهیه به صورت ممتد تا ده سال انتشار یافت (آدمیت ۱۳۶۲: ۳۷۲). اسم آن بعدها (ده سال بعد) به روزنامه دولت علیه و ایران و چندی بعد به روزنامه دولتی تبدیل شد (اقبال آشتیانی ۱۳۹۲: ۱۲۹). امیرکبیر روز جمعه، پنجم ربیع‌الثانی ۱۲۶۷، مطابق با هجدهم بهمن ۱۲۲۹، شروع به چاپ روزنامه وقایع/تفاهیه کرد (صدر هاشمی ۱۳۶۳: ۱، ۳۳۰؛ قاسمی ۱۳۷۲: ۱۴؛ کیانفر ۱۳۷۵: ۴) و انتشار آن به صورت هفتگی و چاپ سنگی در سه یا دو ورق به تفاوت هفته به طبع می‌رسید (اقبال آشتیانی ۱۳۹۲: ۱۲۸) و تا شماره ۴۷۰ در تاریخ ۲۱ محرم‌الحرام ۱۲۷۷، مطابق با ۱۸ مرداد ۱۲۳۹، با همین نام به چاپ رسید.

این روزنامه اخبار به روز و مربوط به امور کشورداری را بازتاب می‌داد که ممکن است برای مورخان و دیگر نویسندگان اهمیت طراز اول نداشته باشد. این روزنامه اخبار مدنظر مدیران و برنامه‌ریزان مملکت و اولویت‌بندی مسائل داخلی برای آنان را نشان می‌دهد؛ بنابراین، روزنامه وقایع/تفاهیه به مثابه انعکاس گزارش‌های رسمی دولت، برای بررسی موضوع مهاجرت این دوره انتخاب شد. نحوه درج خبر چنان است که اخبار مهم ایالات و ولایات در آن درج می‌شد؛ براین اساس، اخبار مندرج در روزنامه خود یک ویژگی منحصر به فرد از نظر اطلاعات است که می‌تواند محور بررسی مستقل قرار گیرد.

مندرجات شماره‌های یک تا ۴۷۰ روزنامه وقایع/تفاهیه به دو بخش اصلی اخبار داخله و خارجه تقسیم می‌شد. عمده اخبار خارجه ترجمه مطالبی است که در روزنامه‌های دیگر کشورها به چاپ می‌رسید، اما اخبار داخله به بخش‌های گوناگونی تقسیم می‌شد. ابتدا اخبار شاه و دربار، سپس براساس گزارش‌های ارسالی ولایت‌ها و حکام محلی، به صورت ولایت به ولایت اخبار آنان چاپ می‌شد.

محور تحلیل این مقاله روزنامه وقایع/تفاهیه از شماره یک تا ۴۷۰ است و تحلیل محتوای کلیه گزارش‌ها و اخبار داخله مرتبط با مسئله مهاجرت خواهد آمد.

#### ۴. چهارچوب نظری

##### ۱.۴ مسئله اجتماعی

باتوجه به ارائه مفاهیم و تعاریف مهاجرت از دیدگاه‌های گوناگون، می‌توان مهاجرت را یکی از دغدغه‌ها و مشکلات اجتماعی دانست که به فراخور جایگاه و طبقات گوناگون یک

جامعه، به‌مثابه مسئله‌ای اجتماعی مطرح می‌شود. به‌همین منظور، باتوجه به به‌هم‌تنیدگی پژوهش حاضر بین مهاجرت و مسئله اجتماعی در داده‌ها و محتوای روزنامه وقایع اتفاقیه بیانی مختصر از مفهوم مسئله اجتماعی مطرح می‌شود.

مفهوم مسئله اجتماعی اغلب در اشاره به شرایطی به‌کار رفته است که در آن تعداد زیادی از مردم یا بخش درخور توجهی از آن‌ها متأثر از وضعیتی خاص، که غیرمطلوب، غیرطبیعی، و نامقبول قلمداد می‌شود، دچار رنج و زحمت شده‌اند و امکان زندگی توأم با نظم، آرامش، هم‌بستگی، و مطابق معیارها و ملاک‌های مطلوب ذهنی برایشان میسر نیست (افشارکهن ۱۳۹۰: ۶۲). در تعریفی نسبتاً دقیق، شرایط یا وضعی عینی یا ذهنی کوتاه‌مدت یا درازمدت، عاجل یا غیرعاجل، بی‌سابقه یا با سابقه‌ای دیرین (فرض) واقعی یا خیالی که در حیات اجتماعی پدید آید، شمار متناهی از انسان‌ها را دربر می‌گیرد. مسئله اجتماعی زمانی پدید می‌آید که وضع موجود از وضعی که باتوجه به ارزش‌هایی که از چند مرجع شناخته می‌شوند، انحراف پذیرد. از این‌روست که هرکس پدیده یا پدیده‌هایی را در زمره مسائل اجتماعی برمی‌شمارد (ساروخانی ۱۳۷۵: ۷۷۹).

## ۲.۴ مهاجرت

تعدد موقعیت‌ها، شرایط محیط‌ها، و فضاها، گوناگون جوامع انسانی با مقیاس‌های فردی و جمعی را برمی‌انگیزاند که برای دست‌یافتن به زندگی مناسب‌تر یا دوری‌کردن از شرایط نامساعد، اقدام به مهاجرت کنند. به‌دلیل ماهیت مهاجرت و این‌که اساساً پدیده‌ای بین‌رشته‌ای است، نظریه‌پردازی درباره علل مهاجرت از سوی نظریه‌پردازان مجامع علمی به‌اشکال گوناگون دسته‌بندی شده است؛ مجموع نظریه‌ها نیز عمدتاً بر محور علل، فرایند، ساختار، و نتایج مهاجرت پرداخته شده‌اند (ایراندوست و همکاران ۱۳۹۲: ۱۰۸). در نگاهی کلی، عوامل مؤثر بر مهاجرت در چهار بخش عمده، یعنی عوامل اقتصادی، سیاسی، جمعیتی، و محیطی قرار می‌گیرند (تنها و گلی ۱۳۹۲: ۶۳). مهم‌ترین نظریه درباره مهاجرت را ارنست جورج روانشتاین یا راونشتاین (Ernest J. Ravenstion) در مقاله «قوانین مهاجرت» ارائه کرد که به قانون و مدل جاذبه و دافعه (Push-Pull) مهاجرت معروف است. نظریه‌پردازان به‌طورکلی به دو دسته از عوامل توجه داشتند: الف) عواملی که باعث دافعه انسان‌ها از محل اسکان خود (منطقه مبدأ) شده است؛ ب) عواملی که باعث جذب آن‌ها در منطقه مقصد می‌شود (حاجی حسینی ۱۳۸۵: ۳۷). راونشتاین استدلال کرده است که مهاجرت

یک امر اتفاقی نیست، بلکه قوانینی خاص بر آن حاکم است و در آن به اقتصاد به مثابه عامل اصلی توجه می‌شود (قاسمی اردهایی و حسینی راد ۱۳۷۸: ۱۹). براین اساس، مهاجر از منطقه‌ای که در آن فرصت‌های کم‌تری وجود دارد، به منطقه‌ای می‌رود که فرصت‌های زیادی در دسترس او باشد (زنجانی ۱۳۸۰: ۱۳۱). اورت اس لی (Everett S. Lee) نیز با تأکید بر عوامل جذب و دفع به عنوان منشأ بروز مهاجرت، قوانین روانشناختی را کامل کرد؛ نظریه لی به دلیل توجه به سطوح خرد، میانه، و کلان از تحلیل مهاجرت کامل‌تر بوده و با پوشش ابعاد گوناگونی از موضوع (تنها و گلی ۱۳۹۲: ۶۳) مهاجرت را در چهارچوب کشش - رانش فردی تحلیل کرده است که بر جذب و دفع مهاجرت در مکان یا به تعبیری عرضه و تقاضا در مهاجرت توجه داشته و تأکید کرده است که با افزایش [فناوری و جمعیت]، تنوع مهاجرت نیز افزایش می‌یابد (ایراندوست و همکاران ۱۳۹۲: ۱۰۸). مایکل تودارو (M. Todaro) در حوزه مهاجرت روستاشهری، گام مهم در شناخت پدیده مهاجرت را شناسایی سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی دانسته است که بر درآمد در روستا و شهر مؤثر است و خود از عوامل مهاجرت به حساب می‌آید و چه مستقیم و چه غیرمستقیم در جریان مهاجرت اثر می‌گذارد (حاجی حسینی ۱۳۸۵: ۴۱؛ ایراندوست و همکاران ۱۳۹۲: ۱۰۸). تودارو مهاجرت را از اساس بر پایه محاسبه اقتصادی و عقلانی فرد دانسته و به نظر او درک مهاجر بالقوه از جریان درآمد مورد انتظار، بخشی از تصمیم‌گیری او برای مهاجرت است که به درآمدهای متداول و نیز برآورد ذهنی او درباره احتمال دستیابی به درآمد بیش‌تر در بخش نوین بستگی دارد (لهسایی زاده ۱۳۶۸: ۲۰۱). در بین نظریه‌های متعدد حوزه مهاجرت، نظریه‌های امنیت با شاخصه‌های اصلی آن، یعنی امنیت اجتماعی نیز وجود دارد. مولار (Bjorn Moller) امنیت اجتماعی را ضامن تأمین امنیت برای گروه‌های اجتماعی جامعه می‌داند؛ گروه‌هایی که به دلیل شکل‌گیری اشتراک‌ها و تعلقات میان اعضایشان، هویت جمعی آنان را به خانواده، دوستان، هم‌محیطی‌ها، و ... پیوند می‌دهد (نویدینیا ۱۳۸۲: ۴۳). براساس نظریه‌های مهاجرت و امنیت می‌توان ادعا کرد که امنیت ماهیت وجودی و شرط بقای جامعه و توسعه آن تلقی می‌شود (کوهی ۱۳۹۲: ۱۰۵). در مجموع، در بیش‌تر نظریه‌های مهاجرت، تلاش برای یافتن شرایط و زندگی بهتر انگیزه اصلی مهاجرت به شمار می‌رود و تفاوت‌های مکانی دربردارنده این شرایط انگیزه اصلی تصمیم فرد و گروه‌های اجتماعی در ترک دیار و رونهادن به مکانی جدید است که تفاوت‌ها ریشه عمیقی در شرایط اقتصادی دارد (صرافی ۱۳۸۱: ۷).

## ۵. مهاجرت در دوره قاجار

در دوره قاجار، از مهاجرت‌های جریان‌ساز و تأثیرگذار جمعی قابل ملاحظه، به‌خصوص در دوره نشر روزنامه وقایع اتفاقیه (۱۳۶۸-۱۲۷۷ق)، گزارشی در دست نیست؛ بااین حال، مجموعه‌ای از گزارش‌ها از مهاجرت‌های مهم و پرتعداد در این روزنامه چاپ شده که این مقاله بر مبنای آن تنظیم شده است.

در آغاز قرن نوزدهم میلادی (سیزدهم قمری) بیش‌تر جمعیت ایران به کشاورزی و دام‌داری اشتغال داشت (لمبتون ۱۳۸۷: ۴۴۶). اکثریت قاطع عوام را نیز دهقانان و مردم ایلات تشکیل می‌دادند؛ آن‌ها تولیدکنندگان اصلی ثروت مادی کشور بودند و بار عمده پرداخت مالیات و سربازگیری را به‌دوش می‌کشیدند (اشرف ۱۳۸۷: ۶۲). بعضی از نویسندگان مهاجرت‌های عمده در دوره حکومت قاجارها را به اواخر قرن نوزدهم ارجاع می‌دهند. مثلاً لمبتون (Lambton) علاوه بر مهاجرت ایل‌نشین‌ها به شهرها، از دو مهاجرت عمده ترکمن‌ها از طوایف خراسان به روسیه و مهاجرت بزرگ و اساسی از استان‌های جنوبی و مرکزی به کرانه‌های دریای خزر خبر می‌دهد. در دهه ۱۸۸۰ عده‌ای از کشاورزان آذربایجان به علت رکود و بحران اقتصادی، آن استان را ترک کردند. به‌این ترتیب، مهاجرتی در حد کوچک‌تر از کرمان و یزد به مناطق شمال شرقی ایران، که پرو رونق‌تر شده بود، صورت گرفت (لمبتون ۱۳۸۷: ۴۴۶).

از این رو، غیر از جمعیت کوچ‌روان، که به‌فراخور هر دورانی و به‌اقتضا و نوع زندگی‌شان همواره در مشغله مهاجرت‌های فصلی و کوچ‌اند، در بررسی از گزارش‌ها و اخبار روزنامه وقایع اتفاقیه مشخص شد که در دوره انتشار آن به مواردی از مهاجرت‌ها پرداخته شده است که ساکنان بومی یا منطقه‌ای خاص به تناسب دلایل گونه‌گون خویش مهاجرت می‌کردند؛ مانند جابه‌جایی‌ها و نقل مکان‌هایی که به شهرها و اطراف سکونت‌گاه‌هایشان در داخل مرزهای مملکت قاهره داشتند. در این میان، البته به چند گزارش از «مهاجران بازگشته به وطن» خواهیم پرداخت که عالی‌ترین مقام‌های کشوری به‌منظور تسهیل‌گری امور، فرامینی را صادر کردند.

در بازخوانی روزنامه وقایع اتفاقیه ۳۵ گزارش اختصاصی از امر مهاجرت شناسایی شد؛ این که عمده مهاجران از عوام و طبقه فرودست جامعه قاجار بودند خود یکی از ویژگی‌های مهاجرت دوره قاجار به حساب می‌آید. برای مثال، در اراک و اطراف آن به دلیل بارندگی و سیل، بسیاری از رعایا از دهات خالصه به اطراف مهاجرت کرده‌اند]



بررسی وضعیت مهاجرت داخلی در دوره قاجار براساس گزارش روزنامه وقایع اتفاقیه ۳۱

(وقایع اتفاقیه ۱۵ خرداد ۱۲۳۵: ش ۷۹، ۲). در واقع، گزارش‌های عدیده‌ای که از مهاجرت در این روزنامه منعکس شده است به عامه مردم برمی‌گردد. ویژگی اشاره به مردم در گزارش‌ها و اخبار تقریباً در بیش‌تر گزارش‌های این روزنامه تکرار شده است. گروه‌های شغلی داده‌های به‌دست‌آمده نیز مردمی بودند که به زراعت و کشاورزی اشتغال داشته‌اند و تعداد اندک‌شماری از جامعه آماری ارائه‌شده به اصناف، تجار، و کسبه مرتبط می‌شد.

## ۶. زمینه‌های مهاجرت

عوامل سیاسی، اقتصادی، جمعیتی، و محیطی تأثیرگذار بر مهاجرت در واقع زمینه‌های اصلی مسئله مهاجرت را تشکیل می‌دهند. در این میان، زمینه و انگیزهای اقتصادی بر مهاجرت افرادی که در یک جامعه زندگی مشترکی دارند، بر دیگر عوامل غلبه دارد و همین زمینه‌ها بیش‌ترین فراوانی از داده‌های مهاجرت روزنامه وقایع اتفاقیه را دربر می‌گیرد؛ زمینه‌هایی مانند مالیات سنگین، نداشتن رشد و شکوفایی، و شرایط نامناسب آب‌وهوایی از این دست عوامل اند که در روزنامه با آن‌ها مواجه‌ایم (جدول ۱).

جدول ۱. زمینه‌های مهاجرت مندرج در روزنامه وقایع اتفاقیه

ردیف	علل مهاجرت	فراوانی	درصد فراوانی‌ها
۱	شرایط نامناسب آب‌وهوایی	۹	۲۵/۷۵
۲	ظلم و تعدی حکام	۷	۲۰/۰۰
۳	شیوع بیماری	۶	۱۷/۱۴
۴	نامشخص	۴	۱۱/۴۳
۵	نداشتن رشد و شکوفایی	۳	۸/۵۷
۶	مالیات سنگین	۲	۵/۷۱
۷	نبود امنیت	۲	۵/۷۱
۸	احداث شهر جدید	۱	۲/۸۶
۹	بی‌توجهی دولت	۱	۲/۸۶
	جمع کل	۳۵	۱۰۰

براساس جدول ۱، شرایط نامناسب آب‌وهوایی بیش‌ترین فراوانی جامعه آماری زمینه‌های مهاجرت را دربر دارد. مهم‌ترین و مشخص‌ترین گروه اجتماعی مولد ثروت کشور کشاورزان بودند که از ده‌نشینان و چادرنشینان بودند و حدود هفتاد درصد جمعیت ایران را شکل می‌دادند (شمیم ۱۳۷۸: ۳۷۹). از این رو، اگر وضعیت مناسب آبی و جوی برای فعالیت‌های این طبقه مهیا نمی‌شد، قطعاً به امری غیراز کشاورزی می‌پرداختند یا مهاجرت می‌کردند. طبق گزارش‌ها، خشک‌سالی و سیل ناشی از بارندگی‌های شدید، خسارت زیادی به بار می‌آورد. «آب کرخه کم شده بود، این امر مهاجرت اهالی هویزه به اطراف را به دنبال داشت» (وقایع اتفاقیه ۲۵ آذر ۱۲۳۰: ش ۴۶، ۴). گزارش‌هایی نیز انتشار یافت که «به دلیل بارندگی و سیل بسیاری از رعایا از دهات خالصه [اراک] به اطراف مهاجرت کرده بودند» (همان ۱۵ خرداد ۱۲۳۵: ش ۲۷۹، ۲).

علاوه بر شرایط نامناسب آب‌وهوایی با ۹ گزارش و ۲۵ درصد فراوانی داده‌ها، عوامل نداشتن رشد و شکوفایی، و مالیات‌های سنگین زمینه‌های دیگر مهاجرت‌های صورت گرفته این دوره را نمایان می‌کند؛ چنین به نظر می‌رسد که رعایا به دلیل شرایط نامناسب اراضی خالصه اقدام به مهاجرت از محل زندگی خود می‌کردند. نبود توسعه ابتدایی و وضعیت نامناسب ابنیه‌های عمومی برای استفاده ساکنان در مهاجرت تأثیر داشت؛ مثلاً، «مصطفی‌قلی خان<sup>۳</sup> با آبادانی‌هایی که در دهات خالصه انجام داد در نواحی مازندران سعی در بازگرداندن رعایا برای زراعت داشت» (همان ۱۶ دی ۱۲۳۱: ش ۱۰۱، ۳). نداشتن رشد و شکوفایی با سه گزارش ۸/۵ درصد از فراوانی زمینه‌های مهاجرت را فراهم کرده بود. مالیات‌های سنگین نیز یکی از زمینه‌های اقتصادی مهاجرت بود که همواره جزو عوامل نارضایتی عمومی مردم از حاکمان به‌شمار می‌رفت. طبق جدول ۱، در این زمینه دو گزارش دیده شد:

خان باباخان<sup>۴</sup> به امر انتظام و سامان دادن امور رعایا [بی] که به علت بی‌اعتدالی ضابطین مالیات، دهات را ترک کرده و دهات خالی از سکنه و لم‌یزرع بودند، مأمور شد (همان ۲۲ اردیبهشت ۱۲۳۲: ش ۱۱۹، ۴).

اخذ مالیات از مردم با شیوه‌های ظالمانه و به‌دور از انصاف باعث مهاجرت می‌شد. گزارش دوم مالیات، که سه سال بعد در این روزنامه انعکاس یافت، همین حکایت را دربر دارد:

سابق‌براین، در استرآباد حکام قبل از این که حاصل شالیزارها و غیره برداشت شود مالیات حواله می‌کردند و رعایا به‌ناچار اجناس خود را به سلم به قیمت نازل می‌فروختند و بدهی جنسی نیز به قیمت بالا تسعیر و وجه نقد آن از رعایا اخذ می‌شد، به‌این جهت ضرر و خسارت به رعایا می‌رسید و اغلب رعایا مجبور به مهاجرت و متفرق می‌شدند (همان ۱۸ اردیبهشت ۱۲۳۵: ش ۲۷۵، ۳).

ظلم و تعدی حکام یکی از مهم‌ترین زمینه‌های مهاجرت جامعه آماری این بررسی را تشکیل می‌دهد؛ به‌طوری‌که بیست‌درصد فراوانی این مؤلفه حکایت از آن دارد که سخت‌گیری و تعدی حاکمان دوره قاجار برای عامه مردم تحمل‌پذیر نبوده و عموماً مهاجرت را بر قرار و زیستن ترجیح می‌دهند. تاجایی که گزارش‌هایی از مهاجرت به خارج از مرزهای ایران نیز در این روزنامه انتشار یافته است.

«به‌دلیل بدرفتاری حکام و مباشرین برخی از ایلات خوی و آذربایجان جلای وطن کردند» (همان ۲۴ مهر ۱۲۳۰: ش ۳۷، ۴).

مسئله بدرفتاری و تعدی حاکمان هم‌چنان باقی ماند، چراکه در گزارش دیگری از همین منطقه دوباره با آن مواجه می‌شویم: «بر اثر ظلم و تعدی حکام بر رعایا، چند خانوار رعیت از خوی به عثمانی کوچ کرده‌اند» (همان ۲۱ بهمن ۱۲۳۱: ش ۱۰۶، ۴). ظاهراً مهاجرت به کشور بیگانه بازخورد مناسبی در بین مسئولان مملکتی پیدا کرده بود؛ در ادامه گزارش شاهدیم که «به‌دنبال دستور صدراعظم در کاهش مالیات آن‌جا این خانواده‌ها به وطن خود بازگشتند» (همان). در این میان، اقلیت‌های مذهبی نیز از ظلم و تعدی حکام دور نماندند؛ «در یزد ۱۵ سال پیش هفت خانواده مجوس به‌سبب تعدی حکام جلای وطن کرده به بنبالی<sup>۵</sup> هند رفته بودند» (همان ۳۰ مرداد ۱۲۳۰: ش ۲۹، ۵).

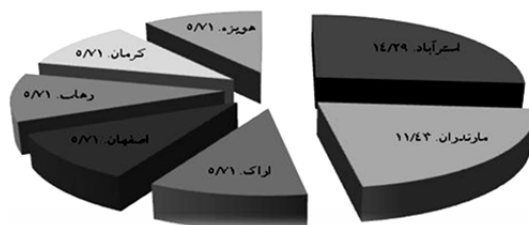
شیوع بیماری نیز باعث مهاجرت مردم می‌شد، اما ویژگی عمده این‌گونه مهاجرت‌ها کوتاه‌مدت و موقتی بودن آن است؛ زمانی که خطر بیماری از بین می‌رفت یا کاهش می‌یافت، مردم به شهرهای خود بازمی‌گشتند؛ مثلاً، «بیماری وبا در بارفروش<sup>۶</sup> شیوع یافته و باعث متفرق شدن مردم از اوطان [وطن؛ شهر] خود شده بود، اما این روزها شدت بیماری کاهش یافته و مردم به خانه‌های خود بازگشته‌اند» (همان ۲۰ بهمن ۱۲۳۲: ش ۱۵۸، ۳) یا گزارشی که از بروز بیماری وبا در تهران آمده است که «امسال تعداد تلفات زیاد و روزانه به ۷۰-۸۰ نفر می‌رسد، بسیاری از مردم شهر را ترک کرده و به کوه‌پایه شمیران پناه برده‌اند» (همان ۲۹ اردیبهشت ۱۲۳۲: ش ۱۲۰، ۱).

وبا، ناخوشی، و طاعون سه بیماری عمده‌ای بود که با شیوع آن‌ها زمینه‌های مهاجرت عمدتاً موقت یک شهر یا یک منطقه را فراهم می‌کرد؛ تعداد این گزارش‌ها شش عنوان بود که حدود هفده درصد کل گزارش‌ها را دربر می‌گرفت. شهرهای بندرعباس، تهران، کرمان، بارفروش، تبریز، و بسطام با این مسئله مواجه شده بودند.

علاوه‌براین، «احداث شهر جدید به نام ناصری در ناحیه سرخس» (همان ۶ مهر ۱۲۳۸: ش ۴۴۶، ۲) و «بی‌توجهی دولت به خرم‌آباد که باعث مهاجرت شمار زیادی از مردم شد» (همان ۱۴ آذر ۱۲۳۰: ش ۴۴، ۴) نیز موجب مهاجرت مردم شده بود. چهار گزارش نیز، که درباره مهاجرت منتشر شده است، هیچ نشانه‌ای از علل مهاجرت‌ها ارائه نداده است که یازده درصد از کل گزارش‌ها را نیز دربر می‌گیرد.

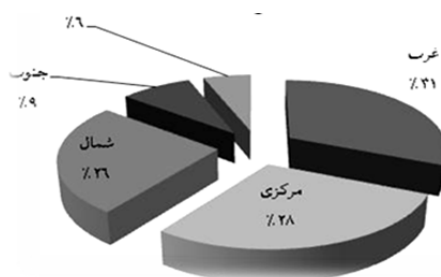
## ۷. مناطق مهاجرفرست

در جامعه آماری حاصل از داده‌های روزنامه وقایع/تفاهیم ۳۵ گزارش از مهاجرت‌ها تنظیم شد که مهاجران از محل سکونت خود مهاجرت کردند. این تعداد در ۲۴ منطقه جغرافیایی مهاجرفرست (جدول ۱ پیوست) دسته‌بندی شدند. ولایت استرآباد پنج گزارش از مهاجرت در روزنامه دارد که بیش‌ترین فراوانی این بخش است. «در استرآباد برخی از رعایا وطن خود را ترک کرده» (همان ۴ مرداد ۱۲۳۴: ش ۲۳۴: ۳) یا «به جهت ضرر و خسارت [،] اغلب رعایا [ی استرآباد] مجبور به مهاجرت شدند» (همان ۱۸ اردیبهشت ۱۲۳۵: ش ۲۷۵، ۳). هر پنج گزارش «ولایت» استرآباد گروه مهاجر- رعایا را تشکیل می‌دهند؛ یکی از ویژگی‌های این بخش آن است که در روزنامه، برخی اوقات چنین گزارش‌هایی را درحالت کلی، یعنی مستقیم به اشارت از ولایات می‌نویسد؛ مثلاً، در گزارش روزنامه خرم‌آباد آمده است: «به دلیل بی‌توجهی [دولت] به خرم‌آباد شمار زیادی از مردم محل مهاجرت کرده و شهر با کم‌بودن جمعیت مواجه شده بود» (همان ۱۴ آذر ۱۳۳۰: ش ۴۴، ۴) در این‌جا به‌طور مشخص مسئله مهاجرت به این شهر (خرم‌آباد) منتسب شد. همان‌گونه که در نمودار ۱ آمده است، بیش‌ترین مناطق مهاجرفرست، که در روزنامه به آن‌ها اشارت شد، عبارت‌اند از: استرآباد با پنج گزارش و سپس مازندران با چهار گزارش؛ اراک، اصفهان، زهاب، کرمان، و هویزه نیز هرکدام دو گزارش؛ و برای آذربایجان، بروجرد، بسطام، تهران، جام و باخزر، خرم‌آباد، خوارزم، خوانسار، خوی، زنجان، سرخس، شوشتر، همدان، و یزد هرکدام یک گزارش از مهاجرت ساکنان قید شده است.



نمودار ۱. سهم پراکندگی مناطق مهاجرفرست در روزنامه وقایع اتفاقیه

در تحلیلی دیگر، اگر پراکندگی مناطق مهاجرفرست در چهار جهت اصلی جغرافیایی با مجزادانستن مناطق مرکزی کشور تعمیم داده شود (نمودار ۲)، جهت شرق با دو گزارش از سرخس و باخزر (هرکدام با یک گزارش) کمترین فراوانی منطقه مهاجرفرست کشور با ۵/۷۲ درصد را در این دوره داشته است. هم‌چنین از جنوب مملکت با فراوانی ۸/۵۸ درصد نیز سه گزارش ارائه شده است که کرمان با دو و بندرعباس با یک گزارش در مناطق مهاجرفرست سهم داشته‌اند. ولایات جهت جغرافیایی شمال، یعنی استرآباد، مازندران، و گیلان با نام دارالمرز شناخته می‌شدند؛ از گیلان هیچ گزارشی انعکاس نیافته، اما از دو منطقه مازندران و استرآباد به ترتیب چهار و پنج گزارش قید شده است که فراوانی ۲۵/۷۱ درصدی را از کل گزارش‌های این بخش نشان می‌دهد. غرب ایران با گزارش‌هایی از شوشتر، خوی، خرم‌آباد، تبریز، آذربایجان، و بروجرد با یک مورد و دو گزارش مهاجرت از شهرهای زهاب و هویزه با اضافه‌شدن یک گزارش از ورود خانوارهایی که از عثمانی به غرب ایران مهاجرت کردند، فراوانی ۳۱/۴۳ درصد از کل مناطق مهاجرفرست را تشکیل داده‌اند. از مناطق مرکزی ایران نیز مقدار ۲۸/۵۸ درصدی با شهرهایی چون تهران، همدان، زنجان، خوانسار، بسطام، و یزد هرکدام با یک گزارش و دو ولایت اصفهان و اراک با دو گزارش بیش‌ترین مناطق مهاجرفرست را تشکیل داده‌اند.



نمودار ۲. مناطق پنج‌گانه مهاجرفرست

به این ترتیب، مناطق مهاجر فرست با توجه به تعداد داده‌ها از دوره ده ساله انتشار روزنامه وقایع/تفاقیه در زمامداری ناصرالدین شاه نواحی غرب، مرکزی، و شمالی ایران‌اند که مستعدترین نواحی مهاجر فرست کشور را تشکیل می‌دادند.

## ۸. مناطق مهاجرپذیر

پراکندگی مناطق مهاجرپذیر وضعیت روشنی ندارد؛ این امر حکایت از آن دارد که روزنامه رسمی دولت در این بخش با ضعف ارائه اطلاعات روشن مواجه بوده است. مطابق جدول مرتبط (جدول ۲) داده‌های جمع‌آوری مهاجرت با مقصد نامعلوم ۲۴ گزارش را تشکیل می‌دهند که معادل ۶۹ درصد فراوانی‌های این بخش است. از این تعداد گزارش‌ها، هنگامی که روزنامه به مهاجرت جمعی اشاره می‌کند، مقصد را اطراف عنوان می‌کند؛ «مدتی بود آب کرخه کم شده بود. این امر مهاجرت اهالی هویزه به اطراف را به دنبال داشت» (همان ۲۸ آذر ۱۲۳۰: ش ۴، ۶، ۷). یا در اراک به دلیل بارندگی و جاری شدن سیل «رعایا از دهات خالصه به اطراف مهاجرت کرده بودند» (همان ۱۵ خرداد ۱۲۳۵: ش ۲، ۲۷۹). خارج از مرزهای جغرافیای سیاسی ایران نیز جزو مناطق مهاجرپذیر جمعیت‌هایی از ایران بودند. تعدادی از اقلیت مذهبی زرتشتیان در یزد «به سبب تعدی حکام جلای وطن کرده و به بنبالی هند رفته بودند» (همان ۳۰ مرداد ۱۲۳۰: ش ۲۹، ۵). عثمانی نیز یکی دیگر از مناطق مهاجرپذیر جمعیت منطقه غرب ایران بود؛ مثلاً، گزارش شده است که «طایفه یزدی ساکن غرب ایران به خاک دولت عثمانی رفته بودند» (همان ۱۴ آبان ۱۲۳۶: ش ۳، ۳۵۳) و نیز «اهالی زهاب به سبب سوءسلوک نایب‌الحکومه کرمانشاهان به خاک عثمانی مهاجرت کرده بودند» (همان ۷ مرداد ۱۲۳۱: ش ۷۸، ۲). شهرها و مناطقی مانند بجنورد، کالپوش، شهر جدید ناصری در ناحیه سرخس و استرآباد، و کوه‌پایه‌های شمیران تهران نیز از جمله نواحی‌ای بود که مهاجران در آن‌جا ساکن شده بودند.

جدول ۲. پراکندگی مناطق مهاجرپذیر

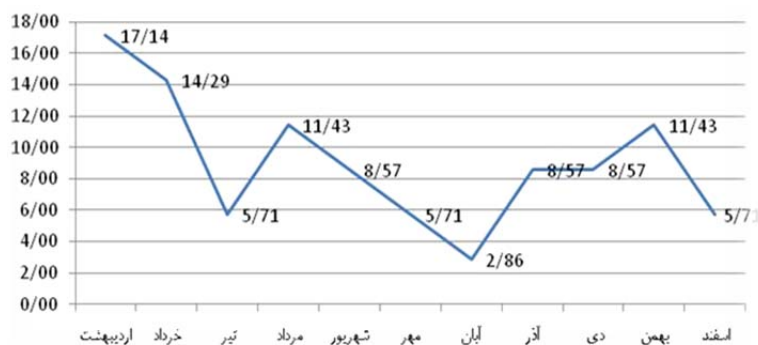
ردیف	مناطق مهاجرپذیر	فراوانی	درصد فراوانی‌ها
۱	مهاجرت با مقاصد نامعلوم	۲۴	۶۹
۲	عثمانی	۲	۵/۷۱
۳	استرآباد	۱	۲/۸۶
۴	امیرآباد و حسین‌آباد	۱	۲/۸۶

بررسی وضعیت مهاجرت داخلی در دوره قاجار براساس گزارش روزنامه وقایع اتفاقیه ۳۷

۲/۸۶	۱	ایران	۵
۲/۸۶	۱	بجنورد	۶
۲/۸۶	۱	خارج	۷
۲/۸۶	۱	کالپوش	۸
۲/۸۶	۱	کوه پایة شمیران	۹
۲/۸۶	۱	ناصری	۱۰
۲/۸۶	۱	هند	۱۱
۱۰۰	۳۵	جمع کل	

## ۹. ادوار زمانی مهاجرت

در سنجش پراکندگی زمانی، باتوجه به لزوم دستیابی به سنجش دقیق و هم‌چنین در نظر گرفتن این نکته که تاریخ هجری قمری بر مبنای ماه‌ها و فصول گوناگون به سبب حرکت و گردش زمانی این قابلیت را نداشته است که از تحلیل فضا و محیطی مناسب استخراج شود، بنابراین، همه تاریخ‌های بررسی شده در گزارش به هجری شمسی برگردانده شده و آن‌گاه پراکندگی زمانی مسئله مهاجرت سنجیده شده است (جدول ۲ پیوست) هم‌چنین در تحلیل و توصیف داده‌ها مهم بود که مهاجرت‌های پیش‌آمده با شرایط آب‌وهوایی کشور ایران تطبیق داده شود.



نمودار ۳. سهم پراکندگی زمانی مسئله مهاجرت در روزنامه وقایع اتفاقیه (درصد)

براساس نمودار ۳ و مطابق برآورد و مطالعات انجام‌شده از گزارش‌ها، بیش‌ترین گزارش‌های چاپ‌شده درباره مسئله مهاجرت در ماه منتهی به اردیبهشت با سهم معادل ۱۷/۱۴ درصد بوده است. پس‌از آن، گزارش‌های منتشرشده در خرداد در رده دوم قرار دارد؛

به طوری که سهمی معادل ۱۴/۲۹ درصدی را از کل گزارش های ارائه شده به خود اختصاص می دهد. ماه های مرداد و بهمن با چهار گزارش و سهم ۱۱/۴۳ درصد، شهریور، آذر، و دی با تعداد گزارش سه و سهم ۸/۵۷ درصد، تیر، مهر، و اسفند با دو گزارش و سهم فراوانی ۵/۷۱ درصد، به ترتیب در رده های بعدی قرار گرفتند. این در حالی است که تعداد گزارش های منتشر شده در آبان کم ترین فراوانی، معادل یک گزارش و سهم ۲/۸۶ درصدی را به خود اختصاص داده است و باتوجه به این که در فروردین هیچ گزارشی از مهاجرت منتشر نشده است، براساس سنجش آماری ادوار زمانی در دوره ده ساله انتشار روزنامه وقایع/تفاهیه، مهاجران این دوره در شرایط آب و هوایی بهترین فصل سال (بهار) را برای زمان حرکت و جابه جایی برگزیده اند؛ به طوری که فصل بهار با ۱۱ مورد گزارش و اختصاص سهم ۳۱/۴۳ درصدی آمار گزارش های منتشر شده، بیش ترین سهم پراکندگی زمانی مسئله مهاجرت را دربر گرفته و ماه های اردیبهشت و خرداد را مستعدترین زمان برای حرکت و جابه جایی خود می دانستند. فصول تابستان و زمستان هر کدام با نه گزارش رده دوم ادوار مهاجرتی این دوره از تاریخ ایران را تشکیل دادند و فصل پاییز در رتبه آخر این مجموعه قرار گرفت.

جدول ۳. پایش پراکندگی زمانی داده های موضوع مهاجرت

سال	مخبر	۱۳۲۹	۱۳۳۰	۱۳۳۱	۱۳۳۲	۱۳۳۳	۱۳۳۴	۱۳۳۵	۱۳۳۶	۱۳۳۷	۱۳۳۸	۱۳۳۹	جمع
مهاجرت	۰	۴	۸	۴	۲	۳	۵	۵	۵	۳	۱	۰	۳۵

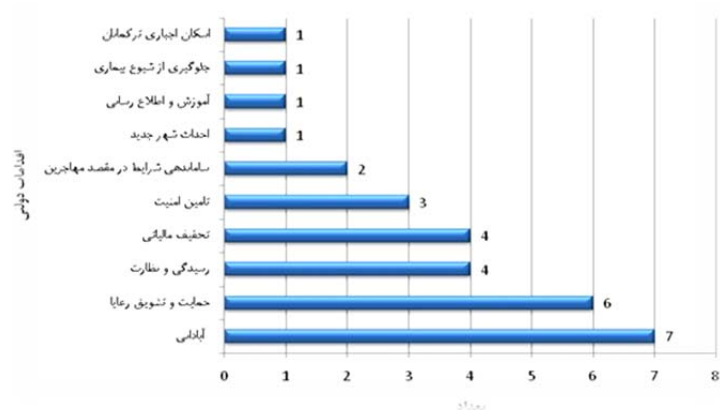
هم چنین در پایش سالانه داده های مهاجرت (جدول ۳)، سال ۱۳۳۱ با تعداد هشت گزارش مهاجرتی ترین سال این دوره ده ساله بود و در سال های ۱۳۲۹ و ۱۳۳۹ (سال های اول و آخر زمان نشر روزنامه) هیچ گزارشی چاپ نشده است و این یعنی از نظر اولیای دولت در نقاط گوناگون مملکت مهاجرتی اتفاق نیفتاده است؛ بنابراین، شاید بتوان نتیجه گرفت این دو سال ذکر شده سال هایی با ثبات اقتصادی، امنیتی، و اجتماعی همراه بوده است. از همین رو، بروز بی ثباتی اقتصادی و ... نیز قشر اصلی آسیب پذیر جامعه (کشاورزان) را واداشته است در شروع فصل کشت و زرع (بهار) دست به مهاجرت بزنند.

### ۱۰. دولت و مهاجرت؛ نقش دولت در مقوله اجتماعی مهاجرت

سی و پنج گزارشی که از مندرجات روزنامه وقایع/تفاهیه درباره پدیده مهاجرت رصد شده است اطلاعات کافی از این مسئله اجتماعی در این دوره را به دست می دهد. مهاجرت در هر



شکل و با هر انگیزه و نتیجه‌ای تأثیرات اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی گوناگونی را به دنبال دارد. از این رو همواره از سوی دولت‌ها به مثابه مسئله‌ای پیچیده به آن نگریسته شده و در مدیریت و سیاست‌گذاری در کانون توجه قرار داشته است (ایراندوست ۱۳۹۲: ۱۰۶). از این منظر، توجه به زیرساخت‌ها و توسعه آن‌ها و امر تسهیل‌گری از اولویت‌های دولت‌های گوناگون به شمار می‌آید. همین امر از نظر اقتصادی - مهاجرت‌های اعم از داخلی و بین‌المللی [آن] - مکانیزمی برای بازتولید توزیع کار است (زنجانی ۱۳۸۰: ۱۲۱) و در دوره ناصرالدین‌شاه نیز جاری بود. مهم‌ترین اقدامات دولتی حکومت ناصری با توجه به همین دوره انتشار ده‌ساله روزنامه وقایع اتفاقیه در توجه به زیرساخت‌ها در زمینه انجام آبادانی بروز پیدا کرده است (جدول ۴ پیوست). تعمیر سد و حاشیه رودخانه‌ها، تنقیه قنوات، تأمین امنیت، و ... از اقدامات دولتی به شمار می‌آید. بعد از خرابی سد ناصریه هویزه و متفرق شدن رعایا، به‌اهتمام حاکم خوزستان «سد مذکور تعمیر شد و آب جریان افتاد، رعایا بازگشتند و مشغول زراعت و کشاورزی هستند و امید است [منطقه] رو به آبادانی برود» (وقایع اتفاقیه ۳ خرداد ۱۲۳۴: ش ۲۲۵، ۴). یا در نمونه‌ای دیگر «حاکم مازندران قلعه و نهر و زراعت امیرآباد و حسین‌آباد را سامان داد و کس فرستاد تا مهاجرین را که در بارفروش و جاهای دیگر متفرق بودند به این مکان‌ها بکوچانند تا در آنجا مشغول زراعت باشند» (همان ۱۶ مرداد ۱۲۳۵: ش ۲۸۸، ۳). مطابق نمودار ۴، در تحلیل محتوایی داده‌ها از بخش اقدامات دولت ناصری درباره مسئله مهاجرت، سهم آبادانی به منزله انجام زیرساخت‌های لازم برای بهبود وضعیت مناطق و کاهش مهاجرت با فراوانی هفت گزارش با حجم بیست درصدی گزارش‌ها روبه‌روست. این رقم چون از میان ۳۵ گزارش تنظیمی اخذ و رصد شده است، اهمیت دارد.



نمودار ۴. فراوانی اقدامات دولتی انجام‌شده در مسئله مهاجرت در روزنامه وقایع اتفاقیه

تأمین امنیت نیز بخش دیگری از اقدامات حاکمان ناصری بود که درقبال رفع مسئله مهاجرت این دوره صورت گرفت. حکام گماشته شده در هر ولایت و ایالت در جایگاه مسئول امنیت موظف بودند که با تأمین امنیت اماکن، موجب آسایش و آرامش مردم منطقه شوند. «به دلیل سوءرفتار حکام و مباشرین، برخی از ایالات آذربایجان از وطن خود رفته بودند این روزها با وجود حاکم جدید و برقراری امنیت به موطن خود بازگشتند» (همان ۲۴ مهر ۱۲۳۰: ش ۳۷، ۴). هم چنین در گزارشی دیگر «چون این ایام آرامش و آسایش در یزد حاکم است مجوس های مذکور بازگشتند» (همان ۳۰ مرداد ۱۲۳۰: ش ۲۹، ۵). داده های تأمین امنیت با سه گزارش و فراوانی ۸/۵۷ درصد در زمره اقدامات دولتی حاکمان ناصری قرار داشت. حمایت و تشویق رعایا یکی از مهم ترین اقدامات دولت به شمار می آید که حاکمان مناطق گوناگون در سلوک حکومتی خود به کار می بردند. گماشتگان دولتی در برخی موارد «با نهایت معقولیت و حسن سلوک» با موضوع مهاجرت «رعایا» برخورد می کنند؛

به طوری که هم رعایای مذکور با دل خوشی و امیدواری تمام به اماکن و اوطان خود آمده هریک مشغول رعیتی و شغل و کار خود شده اند و هم بیگربیگی استرآباد و سایر اهالی ولایت از نوکر و رعیت منت های رضامندی از او داشته اند (همان ۴ مرداد ۱۲۳۴: ش ۲۳۴، ۵).

برخی حمایت ها برای مهاجرانی که به برگشتن رغبت داشتند به صورت کمک های اقلامی و جنسی بود. «خان باباخان بجهت انتظام امر فریدن چون بعضی دهات لم یزرع مانده و سکنه آن جا متفرق شده بودند، بقدر ۴۰۰ خروار تخم بجهت زراعت کاری آن ها داد و آن ها را بدهات فرستاد تا مشغول زراعت خود باشند» (همان ۲۲ اردیبهشت ۱۲۳۲: ش ۱۱۹، ۴) شش مورد از گزارش های اقدامات صورت گرفته درباره مهاجرت به بخش حمایت ها و تشویق ها با درصد فراوانی ۱۷/۱۴ برمی گردد. از این منظر، دولت قاجاری برای بازگشت مهاجران در دومین مرتبه از بخش اقدام و راه کارهای اجرایی قرار گرفته است.

یکی دیگر از اقداماتی که درباره مهاجران در این دوره به نقل از روزنامه صورت گرفته اعمال تخفیف مالیاتی است. چهار گزارش از روزنامه درباره مهاجرت به این اقدام دولت برمی گردد. این سنخ از اقدامات گاهی به صدور حکمی از صدراعظم قاجاریه منتهی می شد. «چند خانوار رعیت [که] از خوی به عثمانیه کوچ کرده بودند، بدنبال دستور صدراعظم [که] این زمان میرزا آقاخان نوری بود [در کاهش مالیات آن جا، به وطن خود بازگشتند» (همان ۲۱ بهمن ۱۲۳۱: ش ۱۰۶، ۴). گاهی معافیت مالیاتی نیز از سوی حکام ایالت ها صادر می شد؛ «جمعی از کرمان که سال های گذشته متفرق شده بودند کدخدای آن ها نزد

مؤیدالدوله رفته متعهد کردند که [مهاجران را] جمع کنند و مؤیدالدوله مقرر کرده تا چهار سال چیزی از آنها مطالبه نشود تا در کمال آسودگی به رعیت مشغول باشند» (همان ۶ خرداد ۱۲۳۱: ش ۶۹، ۴). کاهش مالیات به منزله یکی از اقدام‌های بازگشت مهاجران با چهار گزارش ۱۱/۴۳ درصد مجموعه اقدامات دولتی را دربر گرفته است. به همین میزان نیز اقدامات دولت به رسیدگی و نظارت امور مهاجران پرداخته شده است؛ در واقع، رسیدگی و نظارت حکام به مسائل و مشکلات رعایا باعث می‌شد روند مهاجرت متوقف شود یا حتی بازگشت مهاجران صورت گیرد. در استرآباد،

حکام قبل از این که حاصل شالیزارها و غیره برداشته شود مالیات حواله می‌کردند به این جهت ضرر و خسارت به رعایا می‌رسید اغلب رعایا مجبور به مهاجرت می‌شدند [۴] حاکم برای جلوگیری از متفرق شدن رعایا مقرر کرده تا رفع محصول دیناری به رعایا حواله نشود در وقت برگشت نیز آنچه نقد است نقد و آنچه جنس است به عینه جنس کارسازی شود (همان ۱۸ اردیبهشت ۱۲۳۶: ش ۲۷۵، ۳).

بدین ترتیب، راه برای ماندگاری رعایا در مسکن خویش هموار می‌شد و جلوگیری از این روند باعث شد تا مهاجران، که به دیگر شهرها و نقاط اطراف رفته بودند، برگردند و مشغول زراعت شوند.

در دو گزارش از روزنامه، حاکم منطقه به سامان‌دهی شرایط اسکان مهاجرانی پرداخت که به وطن برگشتند. در خراسان، هزاره‌ها که به یورت اصلی خود، جام و باخزر، برگشتند و زندگانی در خاک خراسان عادت طبیعی خود و اجدادشان بود... این مسئله برای اولیای دولت آن قدر مهم بوده که ناصرالدین شاه خود شخصاً به صدور فرمان دست زد. از آن جاکه، آب و زمین مرتع آن قدر نبود که کفایت ایلات و رعایای سابق و هزاره نماید لهذا شاهنشاه حکم نمود که هزاره را از جام و باخزر کوچانده به صغات سبزوار و جوین و اسفراین و فرومد و فیروزآباد که محل‌های بسیار خوب است، سکنی بدهد (همان ۱۱ اسفند ۱۲۳۷: ش ۴۲۲، ۲-۳).

در گزارشی دیگر، هنگامی که بیماری وبا در تهران شیوع پیدا کرد، مردم به کوه‌پایه‌ها مهاجرت کردند؛ دولت در این هنگام با آموزش و اطلاع‌رسانی مناسب در روزنامه هم در مقابله با شیوع بیش‌تر بیماری تلاش کرد و هم سعی در بازگرداندن مهاجران به شهر تهران را داشت (همان ۲۹ اردیبهشت ۱۲۳۲: ش ۱۲۰، ۱-۲). گزارش دیگری نیز برای اسکان هزاره‌ها در ۱۲۳۸ شمسی در روزنامه انعکاس یافت؛ در ناحیه سرخس، شهر جدید ناصری بنا شد؛ «از قراری که نوشته‌اند امر سرخس از اتمام شهر جدیدالبنای ناصری و نشانیدن

خانوار و گرفتن نسخ زراعت قریب به اتمام است» (همان ۶ مهر ۱۲۳۸: ش ۴۴۶، ۲). از همین جنس اقدامات دولت نیز یک گزارش از اسکان اجباری صحراگردان در استرآباد انتشار یافت. حاکم آنجا در تلاش بود «ترکمانان [صحراگردان] قاری قلعه را یا به این طرف خوارزم» اسکان دهند (همان ۱۰ دی ۱۲۳۶: ش ۳۶۱، ۳).

همان‌گونه که پیش‌تر نوشته شد، مهاجرت‌هایی به دلیل نبود شرایط آب‌وهوایی مناسب برای زراعت، کشاورزی، و نیز کمبود آب صورت گرفته است. در شماره ۳۳۶ روزنامه، گزارشی از زنجان آمده است: «به دلیل آب‌وهوای خوب و فراوانی بارش و آب در خمسه بسیاری از اهالی آنجا و زنجان که در سنوات سابق متفرق شده بودند در این اوقات به اوطان خود مراجعت کردند» (همان ۱۸ تیر ۱۲۳۶: ش ۳۳۶، ۴) و مانند این گزارش در روزنامه *مازندران* شماره ۳۶۱ نیز درج شده است (همان ۱۶ دی ۱۲۳۱: ش ۱۰۱، ۳). امروزه نیز ساکنان روستا و دهات مختلف در مواجهه با کمبود بارندگی و نبود آب برای کشاورزی یا زراعت مهاجرت می‌کنند.

## ۱۱. نتیجه‌گیری

رویکرد مقاله بر آن است که با روش تحلیل محتوا مسئله مهاجرت را در بطن جامعه و روزگار دوره ناصری، با استفاده از گزارش‌های روزنامه وقایع/تفاهیه، بررسی کند. از اهمیت روزنامه همین بس که تنها منبع انعکاس یافته گزارش‌های رسمی و دولتی عصر خود است. از این رو، با دقت کلیه اخبار و گزارش‌های روزنامه در این زمینه مطالعه شد، حدود ۳۵ گزارش تنظیم شد، و در مراحل پیش‌روش یادشده قرار گرفت. یکی از مهم‌ترین دسته‌بندی‌های صورت گرفته پراکندگی انتشار این گزارش‌هاست. ایالت استرآباد با انتشار پنج گزارش پیش‌تاز این بخش بود و آذربایجان و مازندران هر کدام با چهار گزارش در سنوات متفاوت به دنبال این ایالت بودند. در واقع، این سه ایالت تعداد مهاجرت‌های گزارش‌شده‌ای بیش‌تر از بقیه داشتند. دوره زمانی مهاجرت‌ها در تحلیل محتوا اهمیت دارد؛ به طوری که بیش‌ترین ماه‌های گزارش‌های منتشرشده در این زمینه اردیبهشت (شش گزارش) و خرداد (پنج گزارش) بود که سهم بیش‌تری از سایر زمان‌ها و ماه‌های سال را داشت. خشک‌سالی، بارندگی شدید و جاری شدن سیل در غالب شرایط نامناسب آب‌وهوایی، که عمدتاً به بخش کشاورزی و زراعت خسارت جدی وارد می‌کرد، عمده‌ترین علل و زمینه‌های مهاجرت‌های این دوره را تشکیل می‌داد و مهاجران نیز «رعیت» بودند و «مشغول رعیتی». شماری از همان رعیت گاه که از ظلم و تعدی حکام به‌ستوه می‌آمدند، مهاجرت می‌کردند، و فرار را بر قرار ترجیح می‌دادند.

در پایش و تحلیل نتایج اقدامات انجام شده در مسئله مهاجرت، مطابق جدول ۵ پیوست که از داده‌ها و تحلیل محتوای مرتبط در روزنامه به دست آمده است، نشان می‌دهد در تعداد ۲۵ گزارش پی آمدهای اقدام دولت، نتیجه‌ای مناسب و مثبت دربر داشته است؛ تاجایی که ۷۱/۴۳ درصد این اقدامات منتهی به بازگشت مهاجران می‌شد. تعداد ده گزارش، یعنی ۲۸/۵۷ درصد از اقدامات صورت گرفته از گزارش‌های بررسی شده نتیجه‌ای را نمایان نکرده است.

براساس تحلیل آماری انجام گرفته با محوریت موضوع مهاجرت باید اذعان کرد که اقشار فرودست مردم این دوره در مشقت، زندگی را به سر می‌بردند و به نظر می‌رسد مسئله مهاجرت برای زمامداران عصر، که از این اقشار مطالبات مالیاتی و تأمینی انتظار داشته‌اند، اهمیت داشته است و با توجه به اقدامات صورت گرفته در رفع و بازگرداندن مهاجران می‌توان به این نتیجه رسید که حل مسئله مهاجرت مردم کشور نیز مانند دو گزارش مندرج در شماره‌های ۱۰۶ و ۱۲۲، که منتهی به ورود شخصیت‌های اول و دوم دولت (شاه و صدراعظم) برای حل و فصل مشکلات مهاجران شد، به مثابه مسئله‌ای ملی بدان نگریسته و به مثابه موضوعی مهم در سیاست‌گذاری‌ها و شیوه حکمرانی دولت در دوره ده‌ساله انتشار روزنامه وقایع/تفاهیه قرار داشت؛ گرچه در دوره‌های بعدی ناکارآمدی آن مشهود است.

در کلیه اخبار و گزارش‌های بررسی شده، موضوع مهاجرت از روزنامه وقایع/تفاهیه، از مسافرت یا مهاجرت مقطعی سخنی به میان نیاورده و در نشر برخی از خبرها مشاهده می‌شود که کلمه «مهاجرت» نوشته شده است؛ این امر را می‌توان به دلیل معطوف بودن توجهات دولت به امر مهاجرت رعایا دانست که در اشکال گوناگون به رفع مسئله اجتماعی مهاجرت در کشور پرداخته است.

## پی‌نوشت‌ها

۱. در سال‌های اخیر، کتابی منتشر شده که فقط به بازنویسی و انتشار اخبار و گزارش مربوط به حوزه جغرافیایی کردستان از روزنامه وقایع/تفاهیه پرداخته و به تبع آن هیچ تحلیلی نیز ارائه نشده است. بنگرید به صداقت‌کیش ۱۳۸۹.
۲. از تحلیل محتوا تعاریف زیادی در کتب آمده است؛ در بین اندیشمندان علوم اجتماعی درباره این که تحلیل محتوا فن یا یک روش باشد اختلاف نظر است، اما در بررسی‌های انجام شده درباره سه شرط عینیت، نظم، و عمومیت در بینشان اجماع وجود دارد. از این میان، کریپندورف (Krippendorff Klaus) آن را فنی پژوهشی معرفی می‌کند که به منظور استنباط تکرارپذیر و

- معتبر از داده‌ها درباره متن آن‌ها به کار می‌رود. وی هدف از این تحلیل را مانند دیگر تکنیک‌های پژوهشی فراهم کردن شناخت، بینشی نو، تصویر واقعیت، و راهنمای عمل می‌داند (کریندورف ۱۳۷۸: ۲۵). برلسون (Bernard Berelson) تحلیل محتوا را به منزله روشی تحقیقی برای توصیف عینی، سیستماتیک، و کمی محتوای آشکار ارتباطات تعریف کرده است (بری ۱۳۸۴: ۹۳)؛ روش تحقیق این مقاله براساس نظرات نظریه پرداز متأخر استوار است.
۳. وی پسر دوازدهم عباس میرزا، نایب‌السلطنه، بود که از ۱۲۶۷ تا ۱۲۷۱ ق/ ۱۲۳۴-۱۲۲۹ ش به مدت پنج سال حاکم مازندران بود (قائمی ۱۳۸۴: ۱۰۹).
۴. محمدحسن خان، سردار ایروانی یا سردار ساری اصلان، از سرداران شجاع جنگ‌های ایران و روس بود که از سال ۱۲۶۸ تا ۱۲۷۱ ق/ ۱۲۳۴-۱۲۳۰ ش حاکم کرمان، بلوچستان، و یزد بود (بامداد ۱۳۷۸: ج ۱، ۳۲۹).

۵. بمبئی

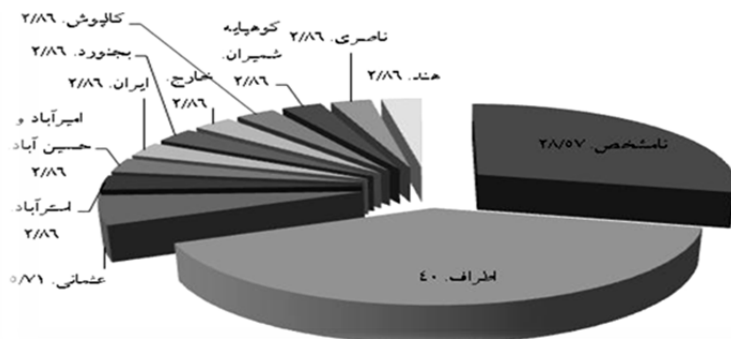
۶. بابل

## ضمیمه: جداول و نمودار

جدول ۱. پراکندگی مناطق مهاجرفرست در روزنامه وقایع اتفاقیه

ردیف	مناطق مهاجرفرست	فراوانی	درصد فراوانی های موجود
۱	استرآباد	۵	۱۴.۲۹
۲	مازندران	۴	۱۱.۴۳
۳	اراک	۲	۵.۷۱
۴	اصفهان	۲	۵.۷۱
۵	زهاب	۲	۵.۷۱
۶	کرمان	۲	۵.۷۱
۷	هویزه	۲	۵.۷۱
۸	آذربایجان	۱	۲.۸۶
۹	بروجرد	۱	۲.۸۶
۱۰	بسطام	۱	۲.۸۶
۱۱	بندرعباس	۱	۲.۸۶
۱۲	تبریز	۱	۲.۸۶
۱۳	تهران	۱	۲.۸۶
۱۴	چام و باخرز	۱	۲.۸۶
۱۵	خرم اباد	۱	۲.۸۶
۱۶	خوانسار	۱	۲.۸۶
۱۷	خوی	۱	۲.۸۶
۱۸	زنجان	۱	۲.۸۶
۱۹	سرخس	۱	۲.۸۶
۲۰	شوشتر	۱	۲.۸۶
۲۱	عشمانی	۱	۲.۸۶
۲۲	همدان	۱	۲.۸۶
۲۳	یزد	۱	۲.۸۶
	جمع کل	۳۵	۱۰۰

۴۵ بررسی وضعیت مهاجرت داخلی در دوره قاجار براساس گزارش روزنامه وقایع اتفاقیه



نمودار ۱. سهم پراکندگی مناطق مهاجرپذیر در روزنامه وقایع اتفاقیه (درصد)

جدول ۲. پراکندگی مناطق مهاجرپذیر

ردیف	مهاجرت به مناطق	فراوانی	درصد فراوانی‌ها
۱	مهاجرت با مقاصد نامعلوم	۲۴	۶۹
۲	عثمانی	۲	۵/۷۱
۳	استرآباد	۱	۲/۸۶
۴	امیرآباد و حسین‌آباد	۱	۲/۸۶
۵	ایران	۱	۲/۸۶
۶	بجنورد	۱	۲/۸۶
۷	خارج	۱	۲/۸۶
۸	کالیوش	۱	۲/۸۶
۹	کوهپایه شمیران	۱	۲/۸۶
۱۰	ناصری	۱	۲/۸۶
۱۱	هند	۱	۲/۸۶
	جمع کل	۳۵	۱۰۰

جدول ۳. پراکندگی ادواری مهاجرت در روزنامه وقایع اتفاقیه

ردیف	پراکندگی زمانی	فراوانی	درصد فراوانی
۱	اردیبهشت	۶	۱۷/۱۴
۲	خرداد	۵	۱۴/۲۹
۳	تیر	۲	۵/۷۱
۴	مرداد	۴	۱۱/۴۳
۵	شهریور	۳	۸/۵۷

۵/۷۱	۲	مهر	۶
۲/۸۶	۱	آبان	۷
۸/۵۷	۳	آذر	۸
۸/۵۷	۳	دی	۹
۱۱/۴۳	۴	بهمن	۱۰
۵/۷۱	۲	اسفند	۱۱
۱۰۰	۳۵	جمع کل	

جدول ۴. اقدامات انجام شده در موضوع مهاجرت در روزنامه وقایع اتفاقیه

درصد فراوانی ها	فراوانی	اقدامات انجام شده	ردیف	
۲۰	۷	آبادانی	۱	اقدامات دولتی
۱۷/۱۴	۶	حمایت و تشویق رعایا	۲	
۱۱/۴۳	۴	رسیدگی و نظارت	۳	
۱۱/۴۳	۴	تخفیف مالیاتی	۴	
۸/۵۷	۳	تأمین امنیت	۵	
۵/۷۱	۲	سامان دهی شرایط در مقصد مهاجران	۶	
۲/۸۶	۱	احداث شهر جدید	۷	
۲/۸۶	۱	آموزش و اطلاع رسانی	۸	
۲/۸۶	۱	جلوگیری از شیوع بیماری	۹	
۲/۸۶	۱	اسکان اجباری ترکمانان	۱۰	
۷۱/۸۵	۳۰	جمع اقدامات دولتی	۱۱	
۵/۷۱	۲	بازندگی مناسب	۱۲	اقدامات عمومی
۵/۷۱	۲	جمع اقدامات عمومی	۱۴	
۸/۵۷	۳	نامشخص	۱۵	
۱۰۰	۳۵	جمع کل		

جدول ۵. نتیجه اقدامات انجام شده در مسئله مهاجرت در روزنامه وقایع اتفاقیه

درصد فراوانی ها	فراوانی	نتیجه اقدامات	ردیف
۶۵/۷۱	۲۳	بازگشت مهاجران	۱
۵/۷۱	۲	بهبود زراعت در محل جدید	۲
۷۱/۴۳	۲۵	جمع	
۲۸/۵۷	۱۰	نتیجه نامعلوم	۳
۱۰۰	۳۵	جمع کل	



## کتابنامه

- آدمیت، فریدون (۱۳۶۲)، *امیرکبیر و ایران*، تهران: خوارزمی.
- اقبال آشتیانی، عباس (۱۳۹۲)، *امیرکبیر*، تهران: نگاه.
- افشارکهن، جواد (۱۳۹۰)، *جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی؛ کلیات، مفاهیم و رویکردها*، تهران: جامعه‌شناسان.
- ایراندوست، کیومرث و همکاران (۱۳۹۲)، «تحلیل دگرگونی الگوی مهاجرت داخلی کشور با تأکید بر مهاجرت‌های شهری»، *فصل‌نامه مطالعات شهری*، س ۳، ش ۶.
- بری، گوتر (۱۳۸۴)، *روش‌های تحقیق رسانه‌ای*، ترجمه مینو نیکو، تهران: اداره کل پژوهش‌های سیما.
- تنها، فاطمه و علی گلی (۱۳۹۲)، «بررسی روند مهاجرت‌های بین استانی ایران در سه دهه اخیر»، *فصل‌نامه جمعیت*، ش ۸۵، ۸۶.
- حاج‌حسینی، حسین (۱۳۸۵)، «سیری در نظریه‌های مهاجرت»، *فصل‌نامه مطالعات راهبردی*، ش ۴۱.
- وقایع اتفاقیه* (۱۳۷۵)، با مقدمه اسماعیل رضوانی و جمشید کیانفر، تهران: ساکما.
- زنجانی، حبیب‌الله (۱۳۸۰)، *مهاجرت*، تهران: سمت.
- ساروخانی، باقر (۱۳۷۵)، *درآمدی بر دایرةالمعارف علوم اجتماعی*، ج ۲، تهران: کیهان.
- صرافى، مظفر (۱۳۸۱)، «مهاجرت داخلی و مسئله مدیریت شهری»، *فصل‌نامه مدیریت شهری*، ش ۱۰.
- صداقت‌کیش، جمشید (۱۳۸۹)، *اخبار کردستان به روایت روزنامه‌های وقایع اتفاقیه و روزنامه علیه ایران*، و *ایران*، تهران: توکلی.
- صدر هاشمی، سیدمحمد (۱۳۶۳)، *تاریخ جراید و مجلات ایران*، ج ۳، اصفهان: کمال.
- لمبتون، آن کاترین (۱۳۸۷)، *تاریخ ایران؛ دوره افشار، زند، و قاجار*، به‌سرپرستی پیترو آروی، ترجمه مرتضی ثاقب‌فر، تهران: جامی.
- لهاسایی‌زاده، عبدالعلی (۱۳۸۶)، *نظریات مهاجرت*، شیراز: نوید.
- قاسمی، سیدفرید (۱۳۷۲)، *راهنمای مطبوعات عصر قاجار (۱۲۵۳ ق/ ۱۲۱۵ ش - ۱۳۰۴ ش)*، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
- قاسمی اردهابی، علی و علی حسینی راد (۱۳۸۷)، *جریان‌های مهاجرت داخلی و ویژگی‌های مهاجران به تفکیک استان*، تهران: پژوهشکده آمار مرکز آمار ایران.
- کرپندورف، کلوس (۱۳۷۸)، *تحلیل محتوا*، ترجمه هوشنگ نایب، تهران: روش.
- کوهی، کمال و همکاران (۱۳۹۲)، «تبیین مؤلفه‌های امنیت انتظامی مؤثر بر گرایش سرمایه‌گذاران به مهاجرت»، *پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی*، س ۲، ش ۲.
- گیلبرت، آلن و ژوزف گاگلر (۱۳۷۵)، *شهرها، فقر، و توسعه شهرنشینی در جهان سوم*، ترجمه پرویز کریمی ناصری، تهران: اداره کل روابط عمومی و بین‌المللی شهرداری تهران.
- نوبدینیا، منیژه (۱۳۸۲)، «درآمدی بر امنیت اجتماعی»، *فصل‌نامه مطالعات راهبردی*، دوره ششم، ش ۱.